

## آیا افغانها قادر به ساخت و ساز کشور شان هستند؟

محترم داکتر زلمی خلیل‌زاد سابق سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان، نماینده آن کشور در عراق و نیز در سازمان ملل متحد طی یک کنفرانس خبری بتاريخ (۱۵/۱۰/۲۰۰۹) در کابل اظهار داشت:



شرایط کنونی کشور حساس و تاریخی است، دنیا متوجه افغانستان است. آنها به این متوجه اند که آیا افغانها قادر به ساخت و ساز کشور شان هستند و یا خیر؟

داکتر خلیل‌زاد خاطر نشان ساخت که افغانها خواهان صلح و زندگی، پیشرفت و ترقی می‌باشند و میدانند انتخابات مشکلاتی را به وجود آورده و نیز راه‌های حل قانونی برای حل آن وجود دارد. موصوف بر ایجاد یک حکومت قوی که بتواند برای حل مشکلات مردم کار کند تأکید کرد. وی هشدار داد هرگاه افغانستان نتواند از این مرحله حساس بیرون شود، دنیا تصور خواهد کرد که افغانستان رهبریت نخواهد داشت تا بتواند فیصله‌های لازم را اتخاذ کند. وی بر مشروعیت حکومت بعد از اعلام نتایج

نهایی انتخابات راهم دانسته و تأکید کرد که مشروعیت حکومت باید زیر سوال نرود، بلکه باید به حل مشکلات قادر باشد.

آقای داکتر خلیل‌زاد افزود که نتایج انتخابات هرچه زودتر اعلام شود و هر فیصله که به اساس قانون باشد همه اقشار مطابق آن فیصله با حکومت همکاری باشند. وی گفت در حکومت محترم باراک اوباما نقش ندارد. از روابط دوستانه میان مردمان افغانستان و پاکستان یاد کرد، ولی گفت که عناصر افراطی می‌خواهند از طریق پاکستان به افغانستان مداخله کنند و تأکید کرد این حقیقت است که مداخله ادامه دارد و اکنون نیز مداخله می‌گردد. هموطنان عزیز، خواننده گان گرامی!

در سخنان محترم داکتر زلمی خلیل‌زاد واقعاً نکات و مطالب نهفته است که توجه به آن و حل این مطالب برای حل مشکل افغانستان و مردم بلادیده ما بسیار مؤثر و تعیین کننده می‌باشند. من این برداشت را برداشت دقیق و تصویر درست از مسایل دانسته و معتقدم که همین تصویر دقیق میتواند منحنی آغاز کار با تدابیر عملی به حل موضوع کمک نموده و تراژیدی مردم را قسماً به پایان برساند.

لذا خواستم به بعضی جوانب عملی و بعضی راه‌های توصل به این اهداف ملاحظاتی، دیدگاه‌ها، فهم و نظریات خویش را با شما شریک سازیم.

اولتر از همه باید تأکید کرد که مردم ما حد اقل در بیشتر در سه دهه اخیر عملاً مشکلات و منازعات دیگران را حل کرده اند. این مردم در واقعیت چوب سوخت این زور آزمایی‌های دیگران قرار گرفته اند. از جدالهای بلاک سوسیالیستی - کمونیستی و سرماییداری گرفته تا جدالهای اسرائیل و امریکا از یکجانب و مردم کشورهای اسلامی از جانب دیگر، جدال‌های کشورهای عربی و سنی از یکجانب و ایران و اندیشه‌های شیعه از جانب دیگر، اختلافات سیاسی داخل عربستان سعودی و کشورهای عربی، اختلافات و منازعات هند و پاکستان، اختلافات و مصالح اقتصادی جهان غرب و شوروی (جای نشین امروزی آن روسیه فدراتیف) و مسایل مطروحه جمهوریت مردمی چین و کشورهای غربی و منافع روسیه.

درین کشمکش‌ها و جدال‌ها بر سر منافع و مصالح سیاسی و اقتصادی آبر قدرت‌ها و مصالح و منافع کشورهای منطقه کشور و مردم مستضعف ما قربانی دادند و هنوز هم قربانی میدهند.

در همچو شرایط و مداخلات اجانب که ملت افغان عملاً قربانی داد و میدهد غیر عادلانه خواهد بود اگر به افتخارات و قهرمانی و شهامت ملت ما به دیده تردید بنگرند. مسلم این است که هر اندیشه و مفکوره خیر و هر اندیش مندر، متفکر و زعیم که میتواند این ملت را ازین جنجال‌های برهاند و به پای خویش استاده کند در طول تاریخ به اثر مداخلات خارجی‌ها و عمال (بضم عین) شان ازپا درآورده شده و باز هم مانع‌رهای این ملت از میدان منازعات اجانب گردیده اند.

از جانب دیگر مشکل کشور ما بدون همکاری دقیقاً تعریف شده جامعه بین‌المللی بسیار مشکل خواهد بود. درین راستا می‌خواهم تأکید کنم که توافق بر قواعد کاری و تفاهات سیاسی بین‌المللی نباید به معنای تعیین زعامت کشور از جانب خارجی برای افغانستان تفهیم شود.

بلی زمان آن رسیده که ملت ما و خاصاً پیشتازان، منورین و متفکرین خیر خواه - بیشتر از هر وقت دیگر با هوشیاری عمل نموده و با درایت و حوصله مندی مردم و کشور خویش را ازین مجادلات و بازی‌های سیاسی و میدان منازعات و زور آزمایی‌های خارجی‌ها برهاند. (تقریباً سه ماه قبل زمانیکه بخشی از کشورهای غربی اظهار

میداشتند که تیم انتخاباتی محترم احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ایران تقلب کرده و منازعات و اغتشاشات در ایران درین ارتباط وجود داشت. مقامات ایرانی مدعی بودند که در انتخابات ریاست جمهوری تقلب نه شده و تأکید داشتند که کشور های غربی در امور کشورشان مداخله میکنند. در همین ارتباط در یکی از صحبت های سیاست مداران بلند پایه ایران ( به گمانم محترم احمدی نژاد) چنین آمد: (ما جواب غربی ها... را در میدان های دیگر خواهیم داد...). حین شنیدن این سخن به خود گفتم و دعا کردم: ای کاش این میدان انتقام گیری ها و مقابلات افغانستان نباشد. بلی کشور ما در مرحله حساس قرار دارد و باید انستیتوت های دموکراتیک و مردم سالاری نهادینه شوند. ما به این باور راسخ ایم که مردم ما به ساخت و ساز کشور خویش قادر هستند. ما به این معتقدیم که تحقق این امر ضرورت به کاریگیر همه جانبه دارد. مردم ما به ساخت و ساز کشور خویش قادر اند اگر خود به سرنوشت خویش مسلط شوند و مساعدت جامعه جهانی به همین جهت حاکمیت مردم سوق داده شود. یعنی مسأله افغانستان و راه های حل آن با استفاده وسیع از دست آورد های بشری - افغانی شود.

ما به این باور نیستیم که انتخابات مشکلات را به وجود آورد. ما به این باوریم که انتخابات یگانه راه تعیین معیار و راه کسب مشروعیت حاکمیت سیاسی است. بلی بشریت در قرن بیست یک همین وسیله و معیار را در دست دارد. به فهم ما مشکلات عمده و اساسی را تخلف از قانون ( حتی تخلف از قوانین نا بکار) خاصاً توسط حاکمیت که باید ضامن قانون میبود - به میان آورده شد.

در قانون عمل که باید نشود اما به آن عمل صورت گیرد - تخلف است و عمل که باید شود اما صورت نه گیرد تخلف است. به صراحت کامل قبل از انتخابات حاکمیت و جایب خویش را در رابطه به انتخابات به موقع به جاء نه کرد که این تخلف از قانون اساسی قابل باز پرس است و متخلف باید از عمل خویش حد اقل جوابگوی سیاسی میداشت.

در جریان انتخابات تخلفات و تقلبات صورت گرفت که نمونه های تقلب و تخلف ضرورت به مثال ندارد. ما به این باوریم که توجیه نماینده حاکمیت امروزی مبنی بر اینکه حاکمیت به بمباردانه های کور و کور نظامیان خارجی اعتراض کرد و در نتیجه ها بخش از مراجع بین المللی مخالف انتخاب مجدد کاندید حاکم است - یک دروغ محض و توجیه غیر دقیق و اغواء گرانه است.

بلی وضع را قبل از همه حاکمیت امروز به طرف حل ناشدنی برد. بلی انتخاب مجدد و عدم انتخاب کاندید حاکم در هر دو صورت مشکل برانگیز است. واقعیت چنین است که این انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جموری افغانستان با سطح نازل اشتراک مردم در تمام ولایات کشور - تحت فشار های سیاسی و امنیتی، تحت تأثیر عوامل موجه و غیر موجه دموکراتیک و مردمی نیست و واقعیت جامعه افغانی را منعکس نمی سازد.

راه حل پرگمیتیک ( از بدتر کرده کم بد را انتخاب کردن) یگانه راه حل مؤقت است و بس. بلی با پیگیری به سوال ( طیبب بگو مرض من چه و چاره ام چه خواهد بود؟ میخواهم فهم خویش را باشما شریک سازم:

مشکل به کجاء بود و مشکل اصلی در کجاء است؟

۱/ سیاست کادری غلط: انتخاب و انتصاب کادر های افغانی در مجموع به اساس روابط جیبی، فامیلی و ارادت شخصی استوار است. در رابطه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ مسؤولین و مأمورین ناظر بر انتخابات خلاف اصول دموکراتیک و مردمی کمیسیون مستقل؟! (نامستقل) انتخابات در واقعیت نماینده کاندیده حاکم بود و هست. میکانیزم انتخاب شان و عمل بعدی اثبات ادعای ماست. نتیجه همچنین شد که همه میبینم. ضرورت جدی بود و هست که میکانیزم مراجع اجراء کننده و مراجع کنترل و نظارت از انتخابات باید مدرن و دموکراتیک شود. چنین وضع فعلی قابل نبوده و قابل قبول نیست.

۲/ قوانین افغانستان و در راس قانون اساسی افغانستان مشکلات بنیادی و اساسی دارد. توازن بین قوای سه گانه وجود ندارد. (جزییات تفصیل میخواهد).

۳/ نظام سیاسی کشور جوابگو سطح رشد سیاسی کشور نیست و بردداشت من چنین است که نصب ماشین « مرصیدبص بنس ۲۰۰۹ در بادی موتر والگای سالهای شصت « سبب از هم پاشیدگی بادی موتر خواهد شد. درین ارتباط تحت توجیه نزدیک ساختن حاکمیت به مردم و انتخابی ساختن ارگانهای محلی و والی ها توسط محل در شرایط سطح نازل ارگانهای عدلی و قضایی، مداخلات خارجی و جنگ های چند دهه اخیر میتواند شعار عوامفریب و جذاب پوپولیست و سبب رضایت تفنگ سالاران دیروز باشد - اما به یقین گفته میتوانم که این تدبیر و کار کار عملی برای تجزیه افغانستان است و بس. این تدبیر منحیت ستراتیژی و گام های بعدی میتواند در اصلاح نظام اداری یکجاء با تدابیر دیگر مورد بحث باشد.

با ملاحظه وضع، تخلفات و تقلبات در انتخابات هر کس در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ برنده شود مشکل افغانستان را حل کرده نه خواهد توانست و حکومت به میان آمده مشروعیت لازم نه خواهد داشت. نظام سیاسی کشور ضرورت به اصلاح جدی دارد.

به فهم من پارلمان افغانستان باید انتخابی با انتخابات مستقیم مردم صورت گرفته و رئیس جمهور کشور باید از جانب پارلمان با میکانیزم خاص خویش که قدرت رئیس جمهور و نظام معتدل حفظ گردد - صورت گیرد.

به فهم من ضرورت به عملی کردن میکانیزم است که رئیس جمهور افغانستان حتی در همین دوره هم از طریق انتخابات غیر مستقیم توسط پارلمان انتخاب گردد. انتخاب رئیس جمهور توسط پارلمان جوابگو سطح سیاسی کشور، اقتصادی، قابل کنترل و دموکراتیک است.

در افغانستان هر یک از نظام پارلمانی و ریاستی با اتخاذ تدابیر درست و اصلاحات مناسب کارا خواهد بود.  
۴/ سیاست اقتصادی کشور با استفاده از وسایل و طروق اقتصاد مختلط، بلند بردن ظرفیت های رقابت و ظرفیت های حاکمیت قانون و بلاخره توصل به بازار آزاد قرن بیست یک میتواند بسیاری از مشکلات ما راه های حل خویش را داشته باشند.

۵/ مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است. با درک این مسأله عدم حل مسایل سیاسی و توجه خاص و مرکزی به مسایل نظامی که به صورت عمده در هشت سال گذشته از جانب جامعه بین المللی صورت گرفت مشکل را حل نه کرد. باید از برتری های نظامی برای حل مسایل سیاسی حد اعظم استفاده صورت گیرد.  
بدون نهادینه کردن انسئوت های دموکراتیک در کشور ما و بدون اخذ مشروعیت حاکمیت از مردم نمیتوان به نتایج مطلوب نایل آمد.

آسان ترین و آزران ترین نظام سیاسی نظام دیکتاتوری است. دموکراسی و حاکمیت مردم را باید جدی تلقی کرد. درین راستا باید معتقد بود که مردم با حساسیت کامل به مشروعیت نظام و حاکمیت مردم متوجه اند.  
حکومت قوی همان حکومت است که از مردم برخاسته باشد. صرف همان حکومت قوی است که مشروع باشد و چنین حاکمیت را مردم از خود دانسته و قوت میدهند.

چنین حکومت قادر به حل مسایل با قوت است. با چنین حکومت که از مردم برخاسته باشد ضرورت به همکاری مردم ندارد بلکه حکومت خود مردم است. به فهم من حکومت را چیزی تجریدی و از جای دیگر آورده شده که ضرورت به همکاری داشته باشد نباید تلقی کرد.

برای ما سبب افتخار خواهد بود که افغانهای ما به سرنوشت کشور خویش در سطح جهانی تأثیر گذارند و به نیض و مشکل کشور از عمق آگاهی دارند. علت افتخار هم قابل فهم و ساده است و آن اینکه اگر دیروز مراجع و مجامع بین المللی اولاً به کشور ثالث (پاکستان) تماس گرفته و از طریق آنها و از دید آنها به مسایل افغانی نگاه میکردند - حال از طریق افغانستان و توسط افغانها مسال مطرح میشود. این وضع را از وضع قبلی بهتر میدانم.

در پاکستان نیرو های وجود دارند و داشتند که با پیگیری از سیاست دو رویه نگذاشتند و نه خواهند گذاشت تا در افغانستان دولت (حکومت ...) مستقل، قوی و متکی به خود بوجود آید.

پالیسی میکران نظامی پاکستان احزاب و سازمان های سیاسی و دینی را برای منافع استراتژی خویش استفاده نموده اند و خواهند نمود. مطمئناً دوسیه ها و لست های معاش عده ازین سیاست مداران هنوز هم بر سر میزه استخبارات پاکستانی وجود دارد و این وضع مانع برخورد مستقل و افغانی عده از شخصیت ها و احزاب سیاسی افغانی شده و میشود.

زمان ثابت خواهد ساخته و زمان ثابت نموده که چنین برخورد دو رویه از جانب مراجع حساس و رسمی (ای اس ای) کشور پاکستان منطقه را به آتشکده مبدل خواهد ساخت که چوب سوخت آن مردم مستضعف منطقه و جهان خواهد بود.

بلی مشکل افغانستان بدون حل مشکل پاکستان نمیتواند تحقق یابد. از جانب دیگر حل مسأله پاکستان با خانه بدوش کردن هزاران انسان بیگناه، بمبارد، قتل و کشتارهای مردم بیگناه و عملیات بی ادرس در صوات مشکل را حل نه خواهد کرد. به فهم ما بعضی استعمال کارد (سکالپل) جراح حذاق به استعمال قصاب مشکل را پررنگ تر و از لحاظ تبلیغاتی و هضم پول و عده شده جالبتر میسازند. ما متیقین ایم که این نمایشات نظامی به درد و آلم مردم بیگناه خواهد انجامید.

از جانب دیگر قابل دقت جدی است که درین بازیهای سیاسی و نظامی پالیسی میکران پاکستان برای آن اهداف که در صد سال قبل نرسیدند - حالا تحت نام مبارزه به ضد تروریسم- نایل شدن میخواهند. یعنی به هدف تحت تسلط درآوردن اقوام آزاد آنطرف سرحد و کشتن حس آزادی خواهی و کشتن صدای تعیین سرنوشت شان توسط خودشان - میباشد. متاسفانه شواهد نشان میدهد که وضع چنین است. عدم دقت بان مشکل مردم آنطرف سرحد ظلم و تعدی دیگر است که ادامه دارد.

درین راه به برداشتن قدم های حسابی و مردمی با در نظر داشت تاریخ منطقه امریست ضروری و حتمی. جهان خورد شده و همه روزه خورد تر میشود. بخش از عوامل و فاکتور های حل مسایل افغانی مربوط به خود افغانها و بخش دیگر آن ضرورت به همکاری بین المللی دارد.

به یقین و بحق گفته میتوانیم که برای ما حل مسأله افغانستان و توانانی شخصیت ها وزعامت افغانی قابل دقت و مهم بخاطر این هم است که این شخصیت ها به عمق مسایل پی برده و بر مسایل با دید وسیع و عمیق وارد شده میتوانند.

من مطمئن ام مردم ما قادر به ساخت و ساز کشور خویش هستند.  
درین راستا ما از شخصیت های بین المللی و محترم داکتر خلیزاد توق دارم مانند یک افغان با در نظر داشت تجارب تلخ گذشته خواهانیم تا در زمینه تلاش بیشتر بخرج داده و در تحقق راههای عملی به نفع امر صلح و رهایی مردم ما ازین تراژیدی قدم های عملی بردارند.  
بر همه ماست تا با صداقت بیشتر و رساتر آواز بلند نموده و فرصت ها را از دست نه دهیم.  
بر همه ماست تا این فضاء عدم اعتماد و بی اتفاقی را که قابل فهم است خاتمه داده با اراده نیک و خیر با علم و فهم و درایت برای رهایی مردم خویش تلاش دوچندان نماییم.  
حتمی نیست همه با هم در تمام نظریات موافق باشیم.  
حتمی نیست همه برای همه در هر چیز گذشت کنیم.  
کافی است در اهداف استراتیژیکی وطن؛ منحیث فرزندان بادر و صالح وطن، باهم توافق داشته و راه های تشخیص را همه باهم جستجو و زمینه صلح و آرامش را با گذشت، فداکاری و اخلاص مساعد سازیم . ومن الله التوفیق